

## تأثیر بین‌المللی احکام

### ۱ - طرح مسئله

#### اهمیت موضوع :

منظور از مطالعه تأثیر بین‌المللی احکام بحث در اینست که اثرات ناشی از حکم صادر از دادگاه یک کشور تا چه حد در ممالک دیگر معتبر شناخته میشود و بعبارت دیگر از نظر سندیت و امر مختوم و اجرا تأثیر آن چیست .  
موضوع دارای اهمیت بسیار و شایان توجه است .

امروز زندگی افراد یک کشور در میان سرحدات محدود نیست و عوامل مؤثر اتباع کشورها را با یکدیگر مرتبط میسازد . توسعه روزافزون این روابط سبب شده که درکنار نظم حقوقی داخلی یک نظم حقوقی مربوط به زندگی بین‌المللی افراد ایجاد گردد و چه بسا که اینگونه روابطه موجب اختلافات و موجب طرح دعاوی در محاکم میگردد و چون از طرفی منظور از اقامه دعوی و صدور حکم ایجاد و تصدیق حق و اعمال آن است و از طرف دیگر در حقوق بین‌الملل خصوصی سیستم واحدی که مورد قبول کلیه کشورها باشد وجود ندارد علیهذا باید دید حقوقی که بِنفع محکوم‌له مقرر شده در ممالک دیگر قابل اعمال خواهد بود یا خیر و با در چه شرایط و حدود قابل اجرا خواهد بود زیرا مصلحت روابط روزافزون بین‌المللی اقتضا میکند که حقوق مدعی با حسن نیتی که برای دفاع از حقوق خود قیام کرده و از محکمه صالح بِنفع خود حکم گرفته در کلیه کشورها رعایت شود .

#### قوانین ایران :

در قوانین ایران مخصوصاً در مواد ۹۷۲ و ۹۷۴ حقوق مدنی امکان اجرای احکام خارجی پیش‌بینی شده ولی این امر مقید بشرايطی گردیده است .

طبق ماده ۹۷۲ حقوق مدنی اجرای احکام خارجی متوقف بصدور دستور اجرا از طرف دادگاه است . دعوی دستور اجرا که بتقدیم درخواست اقامه میشود از حیث تشریفات و رعایت حقوق اطراف دعوی در جریان دادرسی مانند ابلاغ و تبادل لوائح و جلسه رسیدگی و حق پژوهش و فرجام با دعاوی عادی تفاوت ندارد ولی اختلاف در اختیاراتی است که دادرس در رسیدگی بموضوع دارا میباشد . در این امر دادرس اصول زیر را باید در نظر بگیرد :

اولاً اینکه آیا حکم از مرجع صلاحیت دار خارجی صادر شده است یا خیر .  
منظور از صلاحیت البته صلاحیت بین‌المللی دادگاه خارجی است مثلاً در دعوی راجع

## تأثیر بین‌المللی احکام

باموال غیر منقول باید تحقیق شود که آیا محکمه کشوری که اسوال در آن واقع است حاکم دعوی بوده و یا محکمه کشور دیگری .

ثانیاً اینکه در صورت احراز صلاحیت بین‌المللی دادگاه خارجی آیا مفاد حکم با قوانین مخصوصه و نظم عمومی و تعهدات بین‌المللی ایران مغایرت دارد یا خیر .

ثالثاً - مستنبط از ماده ۹۷۲ اینستکه دادرس فقط میتواند حکم خارجی را رد یا قبول کند و در صورت اخیر امر باجرای آن دهد ولی بهیچوجه نمیتواند جزئاً و یا کلاً در حکم مزبور تغییراتی وارد آورد .

اینست بطور کلی اصول قانونی که بر اجرای احکام خارجی در ایران حکومت میکند ولیکن در اینمورد مسائل قابل توجه و طرح بسیار است و کاملاً معلوم و مشخص نیست که بطور کلی رویه محاکم در چه جهت است . تحقیق درباره اینکه چه اصول و جهاتی مشخص رویه قضائی ایران بوده و تصمیمات محاکم حاکی از چه خط مشی و تمایلی میباشد موضوعی است دقیق و شایسته بحثی جداگانه .

### هدف این بحث :

هدف این مقاله که شاید بتوان آنرا مقدمه ای بر بحث قوانین و رویه قضائی ایران شمرد اینستکه از نظر حقوق تطبیقی و نوع سیستم هائی که تاکنون مورد قبول و اجراء کشورها واقع شده بحث و تحقیق بعمل آید تا در نتیجه معلوم گردد که چه مشکلاتی در راه سرایت بین‌المللی تأثیر احکام قرار گرفته و راه حل کدام است .

چنانکه اشاره شد اهمیت مسئله روز افزون است زیرا روابط بین‌المللی بدون وقفه و بسرعت رو به توسعه میرود و در نتیجه تعداد دعاوی بین اتباع ممالک مختلف افزون میشود . از اینرو از نیم قرن گذشته مجامع و کنگره‌های بین‌المللی این موضوع را بارها مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند .

انستیتوی حقوق بین الملل در جلسه همگانی خود که در سال ۱۸۷۸ در پاریس تشکیل گردید موضوع را مورد مطالعه قرارداد و قطعنامه هائی تصویب کرد . و نیز در سال ۱۹۲۳ در جلسه ای که در بروکسل تشکیل داد تحقیق در این مسئله را آغاز و تا سال بعد در جلسه منعقد در وین ادامه و خاتمه داد .

در سال ۱۸۸۹ کنگره امریکای جنوبی که در مونتویدئو تشکیل شد طرح قراردادی را درباره اجرای احکام در تمام امریکای جنوبی تنظیم کرد .

در سال ۱۹۲۱ سی‌امین کنفرانس مجمع حقوق بین‌المللی موضوع را مطالعه و طرح مقدماتی یک قرارداد را در این باره تهیه کرد .

در اکتبر ۱۹۲۵ کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه موضوع را در دستور خود قرار داد . این فعالیت ها مصادف با سالهائی بود که زندگی افراد بطور قطعی از کادر ملی تجاوز نموده و روابط و زندگی بین‌المللی افراد واقعتاً قابل توجهی یافته

## تأثیر بین‌المللی احکام

و مسائلی ایجاد کرده که طرق حل خاصی که با مقتضیات این زندگی منطبق باشد ایجاد مینمود. از این لحاظ شایسته است که سیستم هائی که مورد اجرا قرار گرفت مطالعه شود و بیلان توفیق هر یک در رفع و دفع مشکلات تعیین گردد. و چون بدون تردید قرن ماقرون توسعه شگفت انگیز روابط بین‌المللی است مسائل مربوط بتأخیر بین‌المللی احکام و احترام بین‌المللی حقوق محکوم له باندازه مسائلی که از این جهات در داخله کشور وضع میشود واجد اهمیت میباشد و از این نظر نیز باید دید از چه راهها میتوان سرایت بین‌المللی تأثیر احکام را عملی ساخت.

### مفهوم صلاحیت :

درستور گذشته از صلاحیت نام بردیم. این مفهوم در بحث ما نقش اساسی بعهدہ دارد زیرا عقاید و قوانین متفقاً برآنند که صلاحیت حاکم دعوی شرط اساسی اعتبار بین‌المللی حکم میباشد و آن حکم موثر و نافذ است که از محکمه صالح صادر شده باشد پس مطالعه تأثیر احکام در حقیقت تحقیق درباره صلاحیت است.

ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران نیز مقرر میدارد که دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه باصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه میشود یعنی پس از اینکه صلاحیت بین‌المللی محاکم یک کشور محرز گردید از نظر صلاحیت داخلی یعنی صلاحیت ذاتی و نسبی و اصول محاکمات قوانین آن کشور بر تعیین محکمه صالح و جریان دادرسی حکومت خواهد کرد. باید گفت که صلاحیت دادگاه دارای دوجنبه است : بین‌المللی و داخلی.

صلاحیت بین‌المللی یعنی صلاحیت قضائی یک کشور در مقابل ممالک دیگر و بعبارت بهتر راجع است باینکه دعوی در محاکم کدام کشور باید مورد رسیدگی واقع شود. صلاحیت بین‌المللی مستقیم و یا بیاوسطه است در صورتیکه مسئله صلاحیت مقدمتاً در نتیجه اقامه دعوی در یک کشور مطرح شود مثل این مسئله که آیا محاکم ایران صلاحیت رسیدگی بفلان دعوی را دارند یا خیر؟

صلاحیت بین‌المللی غیر مستقیم یا باواسطه است در صورتیکه مسئله صلاحیت در نتیجه درخواست اجرای حکمی که در خارج صادر شده مطرح شود. مثلاً حکمی از یک دادگاه عراق صادر شده و محکوم له درخواست اجرای آنرا در ایران میکند. در اینصورت محکمه ایرانی ( دادگاه شهرستان ) باید تحقیق و معلوم کند که آیا محاکم کشور عراق صلاحیت رسیدگی باین دعوی را دارا بوده اند یا خیر.

رویه قضائی کشورها در مورد تعارض صلاحیت محاکم بسیار غنی است زیرا در یک دعوی ابر اساسی تشخیص محکمه صالح است و چون هر کشور سیستم حقوق بین‌الملل خصوصی خود را اجرا میکند و در مسائل مورد تعارض قواعد سیستم خود را حکومت میدهد از اینرو طرفین دعوی همواره میکوشند که دعوی را در کشوری مورد رسیدگی قرار دهند که قوانین و رویه محاکم آن منافعشان را بهتر تأمین خواهد کرد.

## تأثیر بین‌المللی احکام

صلاحیت داخلی یعنی صلاحیت از نظر نوع و صنف و درجه و محل دادگاههای یک کشور. و بدین ترتیب پس از محرز شدن صلاحیت بین‌المللی محاکم یک کشور باید تعیین کرد که از نظر ذاتی و نسبی کدام یک از دادگاههای آن مملکت صلاحیت رسیدگی آنرا داراست<sup>۱</sup>.

از این توضیحات بخوبی استنباط میشود که مسائل مربوط بصلاحیت بین‌المللی باید کاملاً جدا و مشخص از مسائل مربوط بصلاحیت داخلی باشد و دادرسی که راجع بصلاحیت بین‌المللی حکم میکند لزوماً نباید همان دادرسی باشد که بمسئله صلاحیت داخلی رسیدگی میکند. بطوریکه در مورد اجرای احکام دادرسی باید فقط بمسئله وجود یا عدم صلاحیت محکمه خارجی توجه کند و پس از تشخیص و قبول آن دیگر در مسائل مربوط بصلاحیت داخلی دخالتی نکند زیرا عملی تر و منطقی تر آنست که در این موضوع که جزء حقوق خصوصی کشور خارجی است قضاوت حاکم خارجی صحیح و معتبر شمرده شود. ولیکن چنانکه در بحث حقوق تطبیقی گفته خواهد شد رویه قضائی کشورها در این باره متفاوت است. اینک به بینیم منظور از تأثیر بین‌المللی احکام چیست؟

### قوای سه‌گانه احکام:

در حقوق داخلی بطور کلی هر حکم دارای سه قوه و خاصیت میباشد:

اولاً - قوه امر اثباتی که ناشی از اینست که حکم سندی است رسمی.

ثانیاً - قوه امر مختموم که ناشی از رأی مندرج در حکم است و هرگونه دلیل مخالف را غیر قابل قبول و مردود ساخته و مانع تجدید دعوی میشود و در حقیقت میتوان آنرا یک قوه منفی و یک نوع وسیله مدافعه شمرد.

ثالثاً - قوه اجرائی که طبق آن قوای عمومی برای اجرای حکم بکار می‌افتد و میتوان آنرا یک قوه مثبت و وسیله مهاجمه دانست.

تأثیر بین‌المللی احکام یعنی حدود و نفوذ و سرایت اثرات ناشی از این سه قوه در ممالک دیگر و درجه نفوذ هر یک از این سه قوه در خارج متفاوته است.

چنانکه از نظر سندیت امور مندرج در حکم مانند اقرار قسم کارشناسی و غیره

(۱) در کشور های فرانسوی زبان بجای صلاحیت بین‌المللی و صلاحیت داخلی اصطلاحات

زیر معمول است:

Compétence générale صلاحیت بمعنای اعم

Compétence speciale صلاحیت بمعنای اخص

که بعلت امکان ایجاد سوء تعبیر و تفاهم با اصطلاحات آئین دادرسی این لغات مورد انتقاد حقوق دانان قرار گرفته و اصطلاحات صلاحیت بین‌المللی و صلاحیت داخلی ارجح شناخته شده است. لیکن اگر در زبان فرانسه تغییر لغات صلاحیت بمعنای اعم و بمعنای اخص بعلت استقرار آنها آسان نیست در زبان حقوقی فارسی بعلت تازگی استعمال این مفاهیم بکار بردن صلاحیت بین‌المللی و صلاحیت داخلی اشکالی نداشته و بهتر است.

## تأثیر بین‌المللی احکام

میتواند نافذ باشد و این نفوذ ناشی از حکومت اصلی است که اسناد را تابع قانون محل تنظیم قرار میدهد. و چون طبق ماده ۹۶۹ قانون مدنی ایران « اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود میباشند » اثر اثباتی احکام خارجی در ایران محرز است.

لیکن از نظر قابلیت اجرا قلمرو نفوذ حکم محدود بسرحدات کشور است زیرا چنانکه اشاره شد اعتبار اجرائی حکم ناشی از امر مقام مافوق است بقوای عمومی که در صورت لزوم با اعمال جبر اجرای حکم را تأمین کنند و چون مقام مزبور بر قوای عمومی کشورهای دیگر فرماندهی ندارد از اینرو قلمرو قوه اجرائی احکام محلی است.

بالاخره در مورد اعتبار امر مختوم عده ای از مفهوم حاکمیت و اینکه احکام بنام آن صادر میشود نتیجه میگیرند که قلمرو اعتبار امر مختوم محلی است. در مقابل عده ای در تأیید نفوذ بین‌المللی امر مختوم اینگونه استدلال میکنند که در نتیجه اقامه دعوی یک نوع قرارداد قضائی بین متداعیین ایجاد میگردد و اختیارات محکمه و اعتبار حکم از این عقد ناشی میشود زیرا بدون آن حکم صادر و موجود نمیشد پس حکم نتیجه قرارداد طرفین است و در روابط بین‌المللی تأثیر حقوق ناشی از قراردادها را خواهد داشت یعنی نافذ خواهد بود.

ولیکن بر این نظریات انتقادات اساسی وارد است و بالاخره میتوان گفت که از نظر اطمینان با اجرای صحیح عدالت ( زیرا محاکم داخلی بیشتر مورد اطمینان میباشند ) و علم دادرسان بقوانین ( زیرا اجرای قوانین خارجی بوسیله محاکم خالی از اشکال نیست ) و آئین دادرسی ( زیرا قوانین دادرسی موافق با شرایط زندگی داخلی وضع شده است ) افراد بعدالتی که بوسیله محاکم خارجی اجرا میشود چندان ایمان و اعتماد ندارند ولیکن از آنجا که منافع و حقوق افراد در روابط بین‌المللی احتیاج انکارناپذیری بحمایت امر مختوم دارد علیهذا تأثیر بین‌المللی امر مختوم را نباید کاملاً مردود دانست.

موضوع دیگر آنکه بحث مربوط بتأثیر بین‌المللی احکام شامل کلیه احکام نیست. در امور کیفری اصل محلی بودن احکام حکمفرماست و تعقیب جزائی محدود بقلمرو دولت است ولیکن احکامی که مراجع مزبور بتقاضای مدعی خصوصی برای جبران غرامات و خسارات صادر میکنند مشمول این اصل قرار نمیگیرد و از نظر بین‌المللی شرایط نفوذ احکام حقوقی را داراست.

همچنین احکام راجع بامور مالیاتی و تصمیحات محاکم اداری در خارج از کشور نافذ تأثیر است مگر اینکه قرارداد مخصوصی بین دولتها وجود داشته باشد.

از آنچه گفته شد مستفاد میشود که قوای سه گانه فوق‌الذکر متفقاً احکام را در خارج از کشور همراهی نمیکند. اصولاً قوه اثباتی در خارج از کشور میداد حکم باقی و نافذ میماند در صورتیکه قابلیت اجرائی مطلقاً و اعتبار امر مختوم اکثراً از حکم سلب میگردد و نیازمند به تنفیذ میشود. در این مورد بر حسب اینکه در چه حدود و شرایطی این خواص سه گانه مورد قبول و اعمال کشورهای خارجی قرار خواهد گرفت سیستم حقوقی آنها متفاوت و از یکدیگر متمایز میگردد.

## تأثیر بین‌المللی احکام

**انواع سیستم‌ها :** هیچیک از کشورها احکام خارجی را بدون قید و شرط قبول و اجرا نمیکنند و برحسب مقتضیات و اصولی که برتدوین و تحول سیستم حقوقی هر کشور حکومت کرده هر یک حق نظارتی برای قوه قضائیه خویش قائل شده‌اند. چنانکه ماده ۹۷۲ قانون مدنی ایران مقرر میدارد که « احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجراء تنظیم شده در خارجه را نمیتوان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر باجرای آنها صادر شده باشد »

علیهذا اجرای حکم صادر از محاکم خارجی در ایران متوقف بصدور دستور اجرا از دادگاه شهرستان است زیرا بطوریکه گفته شد حکم محکمه خارجی که میتواند قدرت اثباتی داشته باشد فاقد اعتبار امر مختوم وقوه و تصمیمات اجرائی است و این خواص با تقدیم درخواست دستور اجرا از دادگاه شهرستان برای حکم خارجی تقاضا میشود و محکمه با صدور این دستور حکم را تنفیذ نموده و از خود تعلق میکند. پس درخواست دستور اجرا موجد دعوائی است که بطور کلی با دعاوی دیگر از نظر تشریفات دادرسی تفاوتی ندارد ولیکن اختلاف در موضوع میباشد که عبارتست از تنفیذ اثر اجرائی حکم خارجی.

بنابراین برحسب اینکه تأثیر اجرائی احکام خارجی در داخل کشور ثانوی بستگی بصدور دستور اجرا داشته باشد یا خیر ممالک را میتوان بدو دسته تقسیم کرد. ولیکن این تقسیم بندی کثه مطلب را روشن نخواهد ساخت زیرا حدود تأثیر احکام خارجی بستگی بلزوم و یا عدم لزوم دستور اجرا ندارد و سیستم هائی که دستور اجرا را پیش‌بینی کرده است لزوماً سیستم هائی نیست که در مورد سرایت اعتبار احکام خارجی تسهیلات زیادتری قائل شده باشد زیرا صدور دستور اجرا و تنفیذ حکم خارجی ممکن است در نتیجه تجدید نظر کامل بعمل آید بطوریکه تغییرات اساسی بر آن وارد و حکم جدیدی جایگزین آن گردد و یا اینکه این تنفیذ پس از تحقق اینکه حکم رعایت شرايطی را نموده یا خیر بعمل آید.

بالعکس سیستم هائی که دستور اجرا را مقرر نکرده است لزوماً سیستم هائی نیست که در مورد اثرات بین‌المللی احکام محدودیتهای شدیدی قائل شده باشد بلکه در میان این گروه ممالکی پیدایشوند که احکام خارجی را مسلوب‌الاثر تلقی مینمایند در حالیکه کشور های دیگری از این گروه حداکثر اعتبار را در مورد چنین احکام رعایت میکنند.

پس تقسیم بندی کشور ها باعتبار لزوم و یا عدم لزوم دستور اجرا شاخص لیرال بودن و یا نبودن قوانین آنها راجع باثرات احکام خارجی نیست. و برای این منظور باید سیستم حقوقی کشورها را برحسب درجه کنترلی که محاکم در ماهیت احکام خارجی اعمال میکنند به گروه‌هائی تقسیم کرده خواه این کنترل بنا بر درخواست دستور اجرا بعمل آید و یا بنا بر تجدید دعوی در مقابل کشوری که در آنجا حکم باید اجرا شود.

از این نقطه نظر سیستم هائی را که تاکنون در کشور ها معمول بوده پرتیب زیر میتوان تقسیم کرد :

## تأثیر بین‌المللی احکام

اولاً - سیستم تجدید نظر مطلق : اجرای حکم خارجی متوقف بصدور دستور اجراست. محکمه حکم خارجی را مورد رسیدگی و قضاوت قرار میدهد و در این امر دارای اختیارات وسیع میباشد چنانکه رسیدگی محکمه ممکن است منجر بصدور حکم جدیدی بجای حکم سابق گردد مانند سیستم فرانسه. شق دیگر آنست که قوانین دستور اجرا را پیش‌بینی نکرده باشد در اینصورت حکم خارجی مطلقاً فاقد اثر بوده و محکوم‌له باید دوباره اقامه دعوی کند مانند سیستم ممالک اروپای شمالی از قبیل هلند و اسکاندیناوی .

ثانیاً - سیستم کنترل نامحدود : در این سیستم اختیارات محکمه محدود است برد یا قبول حکم خارجی و بهیچوجه نمیتواند حکم مزبور را جزئاً یا کلاً تغییر دهد مانند سیستم بلژیک .

ثالثاً - سیستم کنترل محدود : در این سیستم کنترل محکمه محدود بچند مورد مشخص است و برحسب اینکه این کنترل بطور شدید یا خفیف اعمال شود اجراء احکام خارجی مشکلتز و یا سهلتر خواهد بود. مانند سیستمی که در ایتالیا معمول بوده و سیستم ممالک آنگلو ساکسون .

البته این تقسیم بندی بطور کلی است و سیستم‌های دیگری وجود داشته و دارد که حذافصل بین این سیستم ها را با اتخاذ قواعدی از هر یک تشکیل میدهد مانند آلمان. در این کشور احکام خارجی فقط در صورتی دستور اجرا دریافت میکرد که تقابل واقعی بین مقررات قانونی و رویه قضائی آلمان و کشور مبدا حکم وجود داشته باشد.

## ۴ - بحث از نظر حقوق تطبیقی

### سیستم تجدید نظر کامل :

مثال فرانسه : در قوانین فرانسه فقط در مواد ۴۶ ه آئین دادرسی مدنی و ۲۱۲۳ حقوق مدنی بلزوم دستور اجرا اشاره شده و ترتیب و تعیین شرایط اقامه دعوی اجرا نتیجه رویه قضائی است.

درخواست دستور اجرای حکم خارجی ولو اینکه این حکم از محکمه عالیتر و یا پائین تر صادر شده باشد بمحکمه حقوق محلی که حکم باید در آنجا اجرا شود تقدیم میگردد . این درخواست جریان مقدماتی از قبیل ابلاغ و تبادل لوایح را طی میکند و سپس جلسه دادرسی تشکیل میشود. چون تقاضای دستور اجرا ایجاد دعوی جدید نمیکند بالتسبیح ادعای جدید پذیرفته نمیشود و نیز نمیتوان تعداد مدعی علیه را افزود. حکم محکمه حقوق قابل پژوهش و فرجام است.

صدور دستور اجرا متوقف بر حصول چند شرط است :

اولاً - اعتبار حکم خارجی در کشور مبدا. حکمی که در کشور صادرکننده معتبر نیست بطریق اولی در خارج از آنکشور مشاء اثر نمیتواند باشد. محاکم فرانسه طبق قوانین کشور مبداه باین موضوع رسیدگی میکنند.

## تأثیر بین‌المللی احکام

ثانیاً - صلاحیت محکمه صادرکننده حکم. این شرط بطور کلی مورد قبول قوانین کشورهای دیگر است.

چنانکه در فوق اشاره شد از این بابت باید صلاحیت بین‌المللی را از صلاحیت داخلی تشخیص داد بطور کلی ( ولی نه مطلقاً ) رویه قضائی فرانسه براینستکه فقط صلاحیت بین‌المللی محکمه خارجی مورد رسیدگی واقع شود و برحسب اینکه یکی از اصحاب دعوی تابعیت فرانسه را داشته باشد و یا اینکه کلیه آنها خارجی باشند قواعد مربوط بتعیین صلاحیت بین‌المللی تغییر مییابد.

اگر یکی از طرفین دعوی فرانسوی باشد طبق مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مدنی فقط محاکم فرانسوی صلاحیت رسیدگی را دارا هستند ولیکن چون موضوع این مواد از جمله مسائل مربوط بنظم عمومی بشمار نمیآید طرفین میتوانند بتراضی از آن صرفنظر کنند.

ولی اگر هیچیک از طرفین فرانسوی نباشد و یا اینکه یکی از آنها فرانسوی باشد ولی بتراضی از اختیار مقرر در مادتین ۱۴ و ۱۵ حقوق مدنی یعنی صلاحیت محاکم فرانسوی صرفنظر کند رسیدگی بصلاحیت بین‌المللی موافق قوانین و اصولی که راجع بصلاحیت داخلی است بعمل میآید و بدین ترتیب در این فروض سه رشته مسائل مختلف یعنی تعیین صلاحیت نسبی میان دادگاههای فرانسه واقع در قلمرو آن مملکت ( صلاحیت داخلی ) و تشخیص صلاحیت در صورت تعارض بین قوای قضائی فرانسوی و خارجی ( صلاحیت بین‌المللی مستقیم ) و بالاخره تمیز صلاحیت در صورت تعارض بین قوای قضائی دو کشور خارجی ( صلاحیت بین‌المللی غیر مستقیم ) طبق قواعد واحدی که همانا قواعد جاری فرانسه راجع بصلاحیت داخلی است مورد رسیدگی قرار بگیرد و حال آنکه صحیح تر اینستکه بصلاحیت بین‌المللی طبق اصول جداگانه و مخصوصی رسیدگی شود.

ثالثاً - عدم مغایرت حکم بانظم عمومی فرانسه.

این شرط در اکثر قوانین وجود دارد و طبق آن حکم تاحدودی که مخالف بانظم عمومی نباشد قابل اجرا خواهد بود ولی باید توجه داشت که این مفهوم در حقوق بین‌الملل خصوصی معنائی را که در حقوق داخلی واجد است دارا نمیباشد.

رابعاً - موافقت حکم باحقوق بین‌الملل خصوصی فرانسه.

ممکن است که موضوع حکم خارجی حل مشکلات مربوط بتعارض قوانین و یا مقامات صلاحیت دار باشد مثل تعیین قانون صالح در مورد طلاق ( تعارض قوانین ) و یا تشخیص اینکه آیا فلان مقام صلاحیت تنظیم سند معینی را دارد یا خیر ( تعارض مقامات ) در نتیجه تعدد سیستم در حقوق بین‌الملل خصوصی در مسائل مربوط بتعارض هر کشور قواعد سیستم خود را صالح شناخته و اجرا میکند. در فرانسه قواعد راجع بتعارض در شمار قواعد مربوط بنظم عمومی محسوب میشود و اعتبار حکم خارجی منوط بموافقت با آن است کنترل شرایط فوق مخصوصاً شرط موافقت حکم با نظم عمومی مستلزم کنترل ماهیت دعوی است و بطوریکه از رویه قضائی فرانسه مستفاد میشود اصولاً دادرس



### تأثیر بین‌المللی احکام

میتواند حکم خارجی را رد یا قبول کند و یا آنرا جزئاً و یا کلاً تغییر دهد بطوریکه در نتیجه حکم جدیدی صادر شود ولیکن در عمل دادرس فرانسوی از تغییر و تصحیح حکم خودداری میکند و حکم را چنانکه هست قبول یا رد مینماید و به‌عبارت دیگر در عمل سیستم کنترل نامحدود اجرا میشود اگرچه اصل سیستم تجدید نظر کامل است.

در خاتمه باید گفت که حکم خارجی که موضوع دستور اجرا قرار نگرفته بکلی فاقد اثر در فرانسه نیست زیرا از طرفی از نظر سندیت معتبر خواهد بود و از طرف دیگر ممکن است جهت مشروع عقدی واقع شود مثلاً بر اساس آن طرفین میتوانند در اجرای اختیاری تعهد و یا تبدیل تعهد تراضی کنند در اینصورت و بشرطی که این امر مخالف بانظم عمومی نباشد هیچیک از طرفین نمیتواند بعنوان اینکه حکم خارجی فاقد تأثیر در فرانسه بوده از اجرای مورد توافق خودداری کند و نیز ممکن است که حکم خارجی در دادرسی محکمه فرانسوی تأثیر کند مثلاً اثبات دعوی را بعهده طرف دیگر محول نماید.

بالاخره ممکن است که تصمیمات دادگاههای خارجی دارای اثرات وسیعتری باشد. مقصود اثراتی است که احکام راجع باحوال شخصی و اهلیت و دادرسی ارفاتی دارا میباشد.

در سال ۱۸۶۰ دیوان کشور فرانسه حکم بانحلال نکاح را که از محکمه خارجی صادر شده بود نافذ دانسته و برای هر یک از زوجین سابق حق ازدواج مجدد در فرانسه را شناخت<sup>۱</sup> این رویه را احکام بعدی و مخصوصاً حکمی که در سال ۱۹۳۰ صادر شد در عبارت زیر تأیید کرد: « احکامی که در امور راجع باحوال شخصی و اهلیت بتوسط دادگاه خارجی صادر میشود بدون لزوم دستور اجرا در فرانسه واجد اثر خواهد بود مگر در مواردیکه احکام مزبور عملاً درباره اموال و جبراً درباره اشخاص باید اجرا شود<sup>۲</sup> »

بدین ترتیب طبق رویه قضائی فرانسه در صورتیکه این قبیل احکام اثر جزائی در فرانسه نداشته باشد دارای اعتبار امر مختوم خواهد بود و از کنترل قضائی نیز معاف میگردد ولیکن همینکه تصمیمات اجرائی در مورد آنها لازم شود اعتبار امر مختوم نیز از این احکام سلب میشود تا اینکه محکمه صلاحیتدار باحق تجدید نظری که اصولاً دارا است دستور اجرا صادر کند.

مثال ممالک اروپای شمالی: در قوانین کشورهای هلند و دانمارک و سوئد و نروژ دستور اجرا پیشینی نشده و حکم خارجی کاملاً فاقد اثر اجرائی است بطوریکه مدعی میبایستی دوباره در دادگاه صلاحیتدار اقامه دعوی کند ولیکن بطور کلی محاکم این کشورها اعتبار اثباتی احکام خارجی را قبول دارند و از این طریق ترتیب اثر بیعضی احکام راجع باحوال شخصی را ممکن میسازند. و نیز چنین استنباط میشود که تحول رویه قضائی آنها بسوی سیستم لیبرال تری از نوع انگلوساکسون است و در دعوی مجددی که

۱ - 210 - 1 - 1860 S.

۲ - 1377 - 1 - 1930 S. و نیز در تأیید این رویه 1-361 - 1933 S.

## تأثیر بین‌المللی احکام

درمقابل محاکم مزبور طرح میشود براساس حکم محکمه خارجی که سند مهم و اساسی پرونده دعوی شمرده میشود حکم صادر میگردد.

### سیستم کنترل نامحدود:

مثال بلژیک: سیستم کنترل نامحدود که از ماده ۱۰ قانون ۲۵ مارس سال ۱۸۷۶ راجع بصلاحت و رویه محاکم ناشی گردیده تأثیر اجرائی احکام خارجی را متوقف برصدور و دستور اجرا ساخته است.

بدون توجه بدرجه دادگاه خارجی که حکم را صادر کرده درخواست دستور اجرا باید بمحکمه حقوقی که از نظر صلاحیت نسبی طبق قوانین بلژیک معین میشود تقدیم گردد. درخواست مزبور مراحل متوالی جریان عادی دادرسی را ایجاد کرده و منتهی بصدور حکم میشود.

قوانین بلژیک دونوع کنترل پیش بینی کرده است یکی کنترل محدود و دیگری کنترل نامحدود. هرگاه بین بلژیک وکشوریکه در آنجا حکم صادرشده است قراردادی براساس تقابل وجود داشته باشد حد اکثر کنترلی که محکمه بلژیکی اعمال خواهد کرد محدود به پنج شرط خواهد بود ولی اگر چنین قراردادی وجود نداشته باشد کنترل محکمه مزبور نامحدود خواهد بود و ممکن است منجر برد حکم ویا صدور حکم دیگری گردد ولیکن دادگاه بویچوجه حق ندارد درحکم خارجی تغییرات وارد کند. پنج شرط فوق‌الذکر از اینقرار است:

اولاً - باید که حکم بانظم عمومی بلژیک مخالفت نداشته باشد. رعایت نظم عمومی از جمله شرایطی است که در کلیه قوانین موجود میباشد.

ثانیاً - باید که حکم اعتبار امر مختوم را تحصیل کرده باشد. شرط قابل اجرا بودن حکم در بلژیک اینست که حکم در کشور مبدا نیز قابل اجرا باشد.

ثالثاً - باید که رونوشت رسمی حکم مطابق قوانین کشوریکه حکم از آنجا صادر شده تنظیم شده باشد. این شرط نتیجه حکومت اصل تبعیت احکام از قوانین محل تنظیم میباشد.

رابعاً - باید که حقوق مدعی علیه در جریان دادرسی رعایت شده باشد.

خامساً - صلاحیت محکمه خارجی منحصرأ نمیتواند منبني برتابعیت مدعی باشد این شرط برای مقابله باسیستمی است که صلاحیت محاکم داخلی را درصورتیکه یکی از طرفین اتباع کشور باشد اعلام میدارد مانند ماده ۱۴ قانون مدنی فرانسه که درسطور گذشته بان اشاره شده است.

چون کنترل قوه قضائیه بلژیک هنگامی محدود باین پنج شرط میشود که قراردادی براساس تقابل با کشور مبدا حکم وجود داشته باشد واعتبار این قراردادها منوط بتصویب قوه مقننه است علیهذا ممکن است که در قرارداد با دول دیگر شرایط

## تأثیر بین‌المللی احکام

دیگری بجای این پنج شرط معین کرد. ولیکن درج این شرایط در قانون بلژیکه باین علت بود که چون بسازمان قضائی کلیه کشورها یک میزان نمیتوان اعتماد داشت قانونگذار مصلحت ندانست که روش ملایمی نسبت بکلیه احکام خارجی اتخاذ کند از اینرو با پیش بینی امکان تحدید حق کنترل در صورت وجود قرارداد درحقیقت از ممالک دیگر دعوت بعقد قرارداد نمود و نیز فرصتی ایجاد کرد که درقوه قضائیه کشورها تدقیق و تحقیق نماید.

بطور کلی مقررات مربوط بصلاحت از مقررات جاری در فرانسه تبعیت میکنند ولی محکمه بلژیکی اغلب فقط برسیدگی بصلاحت بین‌المللی محکمه خارجی اکتفا میکند و نیز درمورد احوال شخصی و اهلیت رویه قضائی بلژیکی اصولاً مانند فرانسه است. مثال آلمان - برطبق قانون آئین دادرسی سال ۱۹۰۰ و رویه قضائی در آلمان طبق درخواست دستور اجرا کنترل محدود بچند شرط در صورت وجود تقابل واقعی ناشی از تقابل مقررات قانونی و رویه قضائی اعمال میگردد.

ولی با سیستم بلژیکه این تفاوت اساسی را داشت که در صورت نبودن تقابل واقعی و یا عدم موافقت حکم با شرایط مقرر اجرای حکم در آلمان مطلقاً امکان نداشت در صورتیکه در بلژیکه در صورت نبودن تقابل سیاسی ناشی از قرارداد کنترل نامحدود اجرا میشود. اصل تقابل واقعی سبب گردیده بود که لیستی از اساسی ممالکی که درمورد آنها این تقابل حاصل بوده یا خیر تنظیم شود. ممالکی که احکامشان در آلمان قابلیت اجرا داشت عبارت بودند از اتریش - اسپانیا - ایتالیا - رومانی - برزیل - بلغارستان - ودانمارک .

## سیستم کنترل محدود :

مثال کشور های انگلوساکسون : در این کشورها تحصیل اعتبار اجرائی برای حکم خارجی از طریق درخواست دستور اجرا بعمل نیاید بلکه مدعی میبایستی دعوی جدیدی بر مبنای حکم خارجی اقامه کند و حکم را در شمار مدارک پرونده قرار دهد . در رسیدگی بدعوی دادرسی موضوع را مورد توجه وامعان نظر قرار میدهد: صلاحیت محکمه خارجی و رعایت نظم عمومی .  
اولاً - صلاحیت محکمه صادرکننده حکم .

در این موضوع صلاحیت بین‌المللی از صلاحیت داخلی مشخص میشود و از نظر صلاحیت بین‌المللی دعاوی دینی را از دعاوی عینی باید تمیز داد .  
در دعاوی دینی محکمه خارجی در موارد زیر واجد صلاحیت شناخته میشود :

(۱) درباره اینکه آیا مقررات این قانون و رویه قضائی تغییر یافته و وضع کنونی چیست دسترسی بمدارک لازم ممکن نشد . البته مسئله مهم این نیست که فلان کشور و یا فلان کشور دیگر چه سیستمی را اجرا میکرده و یا میکند بلکه موضوع اساسی تشخیص و تشریح سیستم هائی است که تاکنون مورد عمل قرار گرفته است و مثال آوردن کشورها برای تفهیم مطلب است .

## تأثیر بین‌المللی احکام

۱ - در صورتیکه در تاریخ حکم مدعی علیه تابعیت کشور مبدا حکم را داشته است . پس در این مورد صلاحیت مبنی بر تابعیت است ( مانند صلاحیت مقرر در ماده ۱۰ قانون مدنی فرانسه چنانکه قبلاً گذشت ) .

۲ - در صورتیکه در تاریخ اقامه دعوی در کشور خارجی مدعی علیه ساکن آن کشور می‌بوده بطوریکه از حمایت قوانین محل سکونت برخوردار می‌شده است .

۳ - در صورتیکه مدعی علیه برضایت و در نتیجه عمل خود خویش را در تحت حکومت قوانین کشور خارجی قرار داده است مانند اقامه دعوی متقابل - قبول صریح یا ضمنی صلاحیت دادرسی خارجی .

در دعاوی عینی صلاحیت محکمه خارجی بشرحی که مبتنی بر محل وقوع اموال منقول و غیر منقول موضوع دعوی باشد قبول میشود در صورتیکه محل وقوع اموال در دعاوی دینی مبنای کافی برای احراز صلاحیت محسوب نمیشود .

ثانیاً - موافقت حکم با نظم عمومی .

طبق رویه قضائی ممالک آنگلو ساکسون در موارد زیر بعلت مخالفت با نظم عمومی حکم خارجی قابل استناد نبوده و نمیتواند مستند اقامه دعوی واقع شود .

۱ - در صورتیکه نوع دعوی مانع از طرح مجدد آن در مقابل محاکم آنگلو ساکسون باشد .

۲ - در صورتیکه حکم راجع باموال غیر منقولی باشد که کلیه آنها منحصرأ در کشور مبدا حکم واقع باشد .

۳ - در صورتیکه در مورد تعارض قوانین رسیدگی دادرسی خارجی طبق حقوق بین‌الملل خصوصی انگلستان بعمل نیامده باشد .

۴ - در صورتیکه حکم خارجی بعلت تقلب و بیعدالتی مخدوش باشد .

بنابر توضیحات فوق بطور کلی صلاحیت محکمه خارجی و رعایت حقوق مدعی علیه شرایط اساسی قابل استفاده بودن حکم خارجی را تشکیل میدهد زیرا چنانکه گذشت تأثیر اجرائی احکام خارجی در کشور های انگلو ساکسون متوقف بر اینست که مدعی دعوی خود را از سر گرفته و مجدداً طرح کند و در این اقدام حکم خارجی سند مؤثر و قاطع خواهد بود . از نظر حقوقی این کیفیت چنین توجیه میشود که قرارداد قضائی که در نتیجه اقامه دعوی در خارجه بین طرفین منعقد گردیده و منجر بصدور حکم شده یک نوع تبدیل تعهد بعمل آورده است یعنی بر ذمه محکوم علیه و بنفع محکوم له تعهد جدیدی ایجاد کرده که جانشین تعهد سابق شده و آنرا از عوامل متنازع فیه مبری کرده و بدین ترتیب حکمی که صادر شده سندی است موجب تعهد جدید که میتواند مبنای اقامه دعوی از طرف محکوم له در انگلستان واقع گردد همانگونه که در دعوی راجع بتأدیبه دین سند رسمی که حاکی از وجود دین است مستند کافی و قاطع خواهد بود .

### تأثیر بین‌المللی احکام

بالاخره باید اضافه کرد که رویه قضائی انگلوساکسون تأثیر قهری بعضی احکام را قبول میکند مانند بعضی احکام خارجی راجع باحوال شخصی و اهلیت بشرط صلاحیت حاکم قضیه. احکام زیر را بعنوان مثال میتوان ذکر کرد:

حکم راجع بطلاق مشروط بر اینکه حکم ازدادگاه خارجی که اقامتگاه مدعی علیه درحوزه آنست صادر شده باشد.

حکم راجع ببطال نکاح مشروط بر اینکه از دادگاه محل عقد نکاح صادر شده باشد.

حکم راجع باعلان ورشکستگی مشروط بر اینکه ازدادگاه محل اقامت ورشکسته صادر شده باشد در این مورد حکم خارجی فقط درباره اموال منقول واقع در انگلستان مؤثر خواهد بود نه درباره اموال غیرمنقول واقع در آن کشور.

مثال ایتالیا - مثال دیگری از کنترل محدود ولی طبق درخواست دستور اجرا را میتوان در ایتالیا یافت. در ایتالیا کنترل محدود احکام خارجی بوسیله محکمه استانی که درحوزه آن حکم باید اجرا شود طبق درخواست دستور اجرا اعمال میشود است. کنترل محدود به سه موضوع میبوده است (۱).

اولاً - صلاحیت حاکم خارجی - صلاحیت بین‌المللی از صلاحیت داخلی مشخص میشود و فقط صلاحیت بین‌المللی مورد رسیدگی قرار میگرفته است.

ثانیاً - عدم مباینت حکم با نظم عمومی و حقوق عمومی ایتالیا.

ثالثاً - رعایت مقررات آئین دادرسی بمنظور حفظ حقوق طرفین دعوی.

### ۳ - نتیجه

#### رجحان سیستم لیبرال :

توضیحات فوق نشان میدهد که چگونه انواع سیستم ها از نفی مطلق اعتبار احکام خارجی تا حداکثر رعایت حقوق مقرر در حکم و اثرات آن در کشورها اجرا گردیده است. ولی میتوان گفت که بطور کلی کشورها نسبت بتأثیر احکام خارجی روشی ملایم و لیبرال ندارند و در توجیه این رویه چنین استدلال میکنند که چون سازمان قضائی کلیه کشورها بیک میزان قابل اعتماد نیست از اینرو نمیتوان رژیم عمومی را مبتنی بر لیبرالیسم نمود و امکان اجرای احکامی را که بعلمتی مخدوش و فاقد مبنای صحیح است در داخله کشور ایجاد کرد و نیز چون قوه مجریه از خصایص اصل حاکمیت و استقلال است اجرای حکم خارجی بدون اعمال کنترل مؤثر وسیله ای خواهد بود که دولت خارجی از مجرای قوه قضائیه بقوه مجریه لطمه وارد کرده و باصل حاکمیت تجاوز نماید.

ولیکن چون وضع محدودیت های شدید و اعمال کنترل مؤثر در دوره ای که روابط بین‌المللی بسرعت بی سابقه ای توسعه می یابد ایجاد مشکلات فراوان مینماید از اینرو

(۱) در مورد ایتالیا نیز تذکری که راجع بمثال آلمان دادیم تکرار میکنیم.

## تأثیر بین‌المللی احکام

در این کشورها توأم با رژیم عمومی مبتنی بر قوانین و رویه قضائی رژیم استثنائی متکی بر قرارداد های دوجانبه تأسیس گردیده است و بدین ترتیب برحسب درجه اعتمادی که متعاهدین نسبت بسازمان قضائی یکدیگر دارند حدود و شرایط تأثیر احکام محاکم هریک در دیگری تعیین میشود .

چنانکه در فرانسه با آنکه در عمل سیستم تجدید نظر کامل اجرا نگردیده است معذالک بعلت اشکالاتی که سیستم کنترل نامحدود ایجاد میکرده قراردادهائی با کشورهای دیگر مخصوصاً با ممالک همسایه برای تسهیل اجرای احکام منعقد گردیده است .

اما تجربه ای که از این طرز عمل حاصل شده و تحول افکار و وقایع این نوع سیستم را محکوم کرده در صورتیکه لیبرالیسم قوانین بعضی کشور ها نتایج نیکویی داشته است و نه تنها این ممالک کمتر با اشکالات مواجه شده اند بلکه تسهیلات سیستم آنها از طرف سبب عدم لزوم توسل بقرارداد برای اجرای احکام خارجی در داخله کشور بوده و از طرف دیگر موجب تسهیل انعقاد قرارداد راجع با اجرای احکام محاکم داخلی در کشور دیگر گردیده است .

در صورتیکه کشورهای مانده فرانسه که کنترل مطلق اعمال میکنند در اجرای قراردادهایشان همواره مواجه با مشکلات بوده اند و حقیقتاً چگونه میتوان انتظار داشت که قراردادهای دوجانبه با ایجاد رژیم های استثنائی دو سیستم حقوقی را که از نظر روح قوانین از یکدیگر بکلی متمایز اند بدون اشکال توافق دهد و شاید هرچه تعداد قراردادها زیادتیر و موضوع آنها وسیع تر و دقیق تر گردد معضلات بیشتری پیش آید و تشتت در رویه های محاکم دو کشور ایجاد شود .

و انگهی از نقطه نظر لزوم نظارت بر احکام خارجی بعلت اینکه دادگستری کشورها بیک میزان قابل اطمینان نیست در سیستم لیبرال مفهوم قابل بسط و تفسیر نظم عمومی همواره وسیله مؤثری در اختیار محاکم بوده که عنداللزوم کنترل کافی و مؤثری اعمال نمایند .

بالاخره شورهائی که سیستم لیبرال را اتخاذ کرده اند در حقیقت مسئله اجرای احکام خارجی را از جنبه قضائی وضع وحل نموده اند و لزوم صیانت منافع ذیعق و جلوگیری از اجرای حکم خلاف عدالت را مطمح نظر قرار داده اند. در صورتیکه شورهائی که کنترل مطلق را معمول میدارند و بلزوم عدم تجاوز بحاکمیت استناد میکنند مسئله را از جنبه سیاسی طرح نموده اند و بی شک بدین ترتیب مفهوم حاکمیت همواره مانع بزرگی در راه تأثیر بین‌المللی احکام میبوده است. و این باعث تأسف میباشد زیرا که مطلب جنبه قضائی دارد و فقط از این حیث باید مقتضیات ناشی از لزوم احترام بین‌المللی حقوق افراد را رعایت کردنه از جنبه سیاسی که شاید با آن مناقات داشته باشد .

از اینرو باید که مسئله صرفاً از لحاظ لزوم رعایت حقوق و منافع افراد وضع وحل شود و بی تردید اگر سیستم های حقوقی بر این اصل مبتنی گردد قدم موثر در راه رفع مشکلات برداشته خواهد شد .

## حل مشکل صلاحیت :

موضوع دیگر اینست که کلیه قوانین صلاحیت محکمه ای را که حکم داده از شرایط اساسی اجرای آن حکم در خارج می‌شمارد ولیکن وحدت رویه در مورد قواعد حاکم بر تعیین صلاحیت وجود ندارد و علت اصلی اینست که در اکثر موارد تشخیص صلاحیت بین‌المللی از صلاحیت داخلی صحیحاً بعمل نیاید و هرگاه این دو از یکدیگر تمیز داده شوند و محکمه کشوری که حکم باید در آن اجرا گردد اظهار نظر خود را محدود بمسئله صلاحیت بین‌المللی نماید و در صلاحیت داخلی محکمه خارجی از قضاوت خودداری کند مسئله ساده تر خواهد شد زیرا بسهولت میتوان سیستم ها را در مورد چند قاعده مربوط بتعیین صلاحیت بین‌المللی توافق داد.

مثلاً صرف نظر از تابعیت مدعی صلاحیت را میتوان بر اصول زیر قرارداد :

اقامتگاه واقعی و یا انتخابی مدعی - محل وقوع عقد یا قرارداد و یا انجام تعهد در دعوی راجع باموال منقول - محل وقوع اموال غیر منقول - اقامتگاه بازرگان و رشکسته توافق قوانین در این موارد کاملاً ممکن میباشد زیرا که این مبانی صلاحیت در حقوق خصوصی اغلب ممالک مورد قبول قرار گرفته است.

## طرق تعمیم اعتبار احکام :

چگونه میتوان توافق قوانین را عملی ساخت و از نظر بین‌المللی حداکثر تأثیر را برای احکام تأمین نمود ؟

اولاً بی تردید قوه مقننه هر کشور میتواند با تغییر قوانین قبول اثرات احکام خارجی را تسهیل کند ولی بسختی میتوان امیدوار بود که کشورها ابتکار چنین اقدامی را بعهده بگیرند.

ثانیاً - با توجه بفعالیهائی که کنگره ها و مجامع بین‌المللی حقوق دانان در گذشته در این موضوع نموده اند ممکن است تصور شود که از این طریق و یا از طریق سازمان ملل اقدامات مؤثری میتوان کرد ولیکن بنظر ما عملی ترین اقدام این سازمانها کوشش در تدوین قواعدی است که در مورد تشخیص صلاحیت باید از طرف کلیه دول مورد اجرا قرار گیرد و اگر مؤسسات مزبور در این موضوع طرحی تهیه کنند ممکن است مورد قبول کشورها واقع شود ولی از جهت تعدیل سیستم ها و تسهیل شرایط قبول اثرات احکام خارجی تصور نمیرود که قوه مقننه کشورها باسانی قطعنامه ها و طرحها را تضویب کنند مگر اینکه مقتضیات خاصی دول را در این راه سوق دهد مانند شرکت در قراردادهای چند جانبه بین‌المللی.

ثالثاً - انعقاد قراردادهای دوجانبه برای تسهیل اجرای احکام محاکم دو کشور در یکدیگر اکثراً وسیله ای برای رفع اشکالات کشورهائی که سیستم کنترل شدید دارند بوده است علیهذا مفاد قرارداد تابع مقتضیات مخصوص ناشی از روابط و سیستم های متعاقب است و مشکل را از نظر بین‌المللی حل نمیکند و چنانکه اشاره شد بحکم تجربه نه تنها این قراردادها چندان مؤثر نیست بلکه خود نیز موجب معضلات میباشد. معذالک

## تأثیر بین‌المللی احکام

با استفاده از تجربیات گذشته در مورد قراردادهای میتوان بسیاری از مسائل را پیش بینی کرد و اشکالات احتمالی را قبلاً حل نمود.

رایباً - و بعقیده ما قراردادهای چند جانبه بین‌المللی مؤثرترین وسیله برای اشاعه بین‌المللی اثرات احکام میباشد. این قراردادها راجع بامور معین بین چند کشور و با شرط امکان الحاق بعدی کشورهای داوطلب دیگر منعقد میشود در این قراردادها تأثیر بین‌المللی احکام راجع بموضوع آنها و صادر از محاکم کشور عضو و یا نفوذ بین‌المللی احکام صادر از محاکم اختصاصی که بوسیله عهود مزبور ایجاد شده اند مورد قبول کشورهای عضو قرار میگیرد.

برخلاف قراردادهای دوجانبه تجربه حاصل از این عهود رضایت بخش میباشد. یکی از نمونه های بارز آن قرارداد بین‌المللی برن مورخ ۱۴ اکتبر ۱۸۹۰ راجع بحمل و نقل کالاها بوسیله راه آهن میباشد. ماده ۵۶ قرارداد مقرر میدارد که « احکام حضوری یا غیابی که طبق مفاد این قرارداد بتوسط دادرس صلاحیتدار صادر شده است پس از اینکه طبق قوانین حاکم مزبور قابل اجرا گردید در ممالک امضاء کننده قرارداد نیز طبق شرایط و تشریفات مقرر در قوانین هر یک از آنها بدون اینکه ماهیت قضیه مورد رسیدگی قرار گیرد قابل اجرا شناخته خواهد شد. »

با عطف نظر بتاریخ انعقاد قرارداد مزبور تسهیلاتی که در مورد اجرای احکام مقرر شده قابل توجه میباشد. این قرارداد قبل از جنگ اخیر در کلیه ممالک اروپا بجز کشور در مورد حمل و نقل کالا اجرا میگردد.

نمونه دیگری از این نوع قراردادها اتحادیه ذغال و فولاد اروپاست که میان کشورهای آلمان و بلژیک و فرانسه و ایتالیا و لوکزامبورگ و هلند در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۵۱ منعقد گردید و هدف آن ایجاد بازار مشترک محصولات فولاد و ذغال در منطقه ای شامل کلیه کشورهای نامبرده میباشد. بموجب این قرارداد با تشکیل قوه عالی و مجلس و هیئت وزیران و دیوان دادگستری قسمتی از اختیارات ناشی از حاکمیت کشورهای عضو باتحادیه که قوه ای جداگانه و مافوق کشورهایست تفویض میشود و تصمیمات دادگاه اختصاصی در کشورهای مزبور قهراً قابل تأثیر میگردد.

اتحادیه مزبور به بهترین وجهی نشان میدهد که چگونه ممکن است کشورها در مقابل فشار مقاومت ناپذیر مقتضیات زندگی بین‌المللی امروزه خواه و ناخواه بایکدیگر همکاری نمایند.

امثال این قرارداد در آینده فراوان خواهد شد. مگر نه اینست که هم اکنون موضوع ایجاد اتحادیه کشاورزی و اتحادیه حمل و نقل در اروپا مورد مطالعه و اقدام دولتها قرار گرفته است؟

هرچه انواع این قراردادها که مربوط بموضوع معینی است و باحکام راجع باین موضوع مشخص حد اکثر تأثیر را اعطاء میکند زیادتر شود در راه حل مشکلاتی که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است قدمهای مؤثرتر و قاطع تری برداشته خواهد شد.